



## چشم بصیرت

چشم بصیرت از آن واژه‌هایی است که از بعد از انقلاب سال ۵۷ در روزمرگی‌های مردم ایران بیش از پیش پررنگ شد و حتی می‌توان گفت از آن دسته کلماتی است که بعد از انقلاب معنی‌دار شد. بصیرت داشتن به این معنا است که شما هوشیاری و دانایی کافی داشته باشید و چشم بصیرت داشتن را می‌توان به این معنا دانست که شما بتوانی با هوشیاری کافی، چپ را از راست و خطا را از درست تمیز بدهی. اگر فردی

بصیرت کافی داشته باشد، خوب می‌داند که چگونه باید فکر کند، چه چیزی بگوید، چه چیزی نگوید، چه کاری را انجام دهد، با چه کسی همراه شود و کجای راه خودش را عوض کند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های افراد با بصیرت این است که خوب می‌دانند خیر و شر مطلق در انسان‌ها وجود ندارد و هر فردی می‌تواند بدی‌هایی داشته باشد. اگر شما فردی با بصیرت باشید به خوبی می‌توانید حرف، رفتار و اعمال درست و غلط فردی که از آن پیروی می‌کنید را شناسایی کرده، آنها را مورد تحلیل قرار دهید و با این تحلیل و نقد درست، اوضاع و شرایط عملکردتان متناسب با رویدادهای اجتماعی می‌شود و در درست‌ترین سمت ممکن قرار می‌گیرید... البته که بصیرت هم درجه دارد.



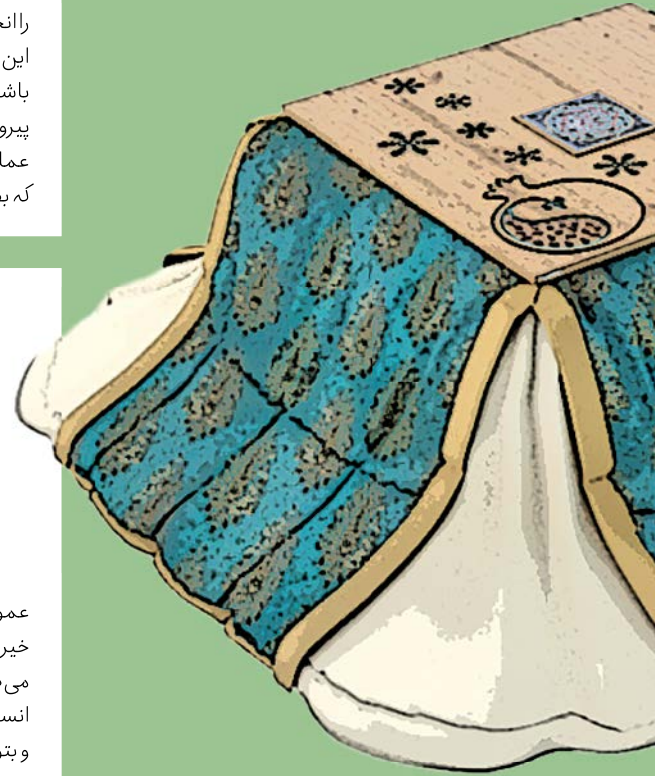
## چشم در برابر چشم

عموما هنرمندان سینمایی و هنرهای تجسمی وقتی می‌خواهند تقابل خیر و شر را با همدیگر نشان دهند، خیر و شر را تبدیل به دو انسان می‌کنند و در نهایت آن دو انسان را چشم در چشم، روبه‌روی یکدیگر قرار می‌دهند. این تقابل چشم در چشم برای انتقام گرفتن و جنگ میان دو سپاه هم‌کاری دارد. اما امید همه انسان‌های آزادی‌خواه و آزادی‌طلب در این دنیا این است که روزی چشم در چشم در برابر ظلم قرار بگیرند و بتوانند انتقام تمام روزهایی که به آنها جور شده را بگیرند. هرچند که انتقام به صرف پایین کشیدن تاج و تخت و خون‌ریزی نیست. گاهی انتقام پیشرفت و سازندگی است، یک وقت‌هایی هم فراتر گذاشتن پا از زندگی و خواسته‌های روزمره اما خیلی‌ها این روزها جوری دم از صلح می‌زنند که انگار ما آن کشوری هستیم که ادعای کدخدایی می‌کند و اگر کسی گوش به حرف‌هایش ندهد؛ تحریمش می‌کند و حتی به بیماران کشورهای دیگر هم رحم نمی‌کند. خیر، ما طرفدار صلحیم تا وقتی کسی روی ما سلاح نکشد. ولی اگر پا را کج گذاشتند، با انتقام سخت ما روبه‌رو خواهند شد؛ چشم در مقابل چشم.



## چشم انداز

چشم‌انداز یک افق درازمدت است که در آن نمایی که قرار است از وضعیت خودمان ببینیم را ترسیم و تبیین می‌کنیم. چشم‌انداز هر فردی برای کشورش آبادی و آزادی است. برای این‌که این چشم‌انداز در حد چند حرف و سند باقی‌نماند به دو بازوی برنامه و عمل نیاز دارد. عموم کشورهای دنیا برای خود چشم‌اندازهای ۵، ۱۰، ۲۰، ۵۰ و ۱۰۰ ساله دارند و خب ایران هم از این قاعده مستثنی نیست، هرچند که بازوی مادر برنامه ریزی قوی و در عمل ضعیف است اما همه ما امید داریم که به‌زودی بازوی عمل‌مان هم متناسب با برنامه‌ریزی‌های‌مان قوی و اوضاع بهتر و بهتر شود. حواس‌تان باشد این با آینده‌نگری فرق دارد. مسأله این نیست که بخواهیم حدس بزنیم جلوتر چه خبر خواهد شد. نه؛ مسأله این است که ما باید خودمان برای آینده برنامه داشته باشیم. تازه نه فقط برای خود و نزدیکان‌مان، بلکه به قول رهبر عزیزمان، این ما نوجوان‌ها و جوان‌های ایرانی هستیم که باید برای نظم نوین جهانی سناریو داشته باشیم.



## چشم دل

بزرگ هرچه دارند از چشم دل‌شان دارند. این چشم دل کارهای بی‌تواند بکند. از دیدن سیرت آدم‌ها در پس صورت‌شان گرفته تا تمام کلافگی‌ها و گرفتگی‌های آدم‌هایی مثل من و شما و شنیدن بی‌که شنیده نمی‌شود... شما هم اگر می‌خواهید که صاحب نظر و چیزهایی که را خیلی‌ها مثل من نمی‌بینند، ببینید؛ بد نیست بی‌به دل‌تان بیندازید و فکری برای چشم‌بندهایی که خودتان و بی‌به دل‌تان زدید، بکنید.

ل‌ها تاف اصفهانی خدایا مرز «چشم دل باز کن که جان بینی نادیدنی ست آن بینی»... یادتان باشد آدم‌های زیادی بودند تاریکی مطلق، چیز دیگری نمی‌دیدند اما چشم دل‌شان ده است.